

دریای راز و روشنایی

(مروری بر زندگی و افکار و آثار سید حیدر آملی)

الف

دکتر جمشید جلالی شیجانی

استادیار دانشگاه آزاد اسلامی، واحد یادگار امام (ره) شهرری



انتشارات اطلاعات

تهران - ۱۳۹۵

سرشناسه:

عنوان و نام پدیدآور:

جلالی شیجانی، جمشید، ۱۳۵۳-

دریای راز و روشنائی: مروری بر زندگی و افکار و آثار سیدحیدر آملی /

تألیف جمشیدجلالی شیجانی

تهران: اطلاعات، ۱۳۹۵

مشخصات نشر:

۱۲۸ص: مصور

مشخصات ظاهری:

978-600-435-028-0

شابک:

وضعیت فهرست نویسی: فیپا

کتابنامه: ص [۱۲۳]- ۱۲۸

یادداشت

مروری بر زندگی و افکار و آثار سیدحیدر آملی

عنوان دیگر

آملی، سیدحیدر بن علی، ۷۲۰-۷۸۲ق. - سرگذشتنامه و کتابشناسی

موضوع

عارفان - ایران - قرن ۸ق. - سرگذشتنامه

موضوع:

Mystics - Iran - 14th century - Biography

موضوع:

محققان و علما - ایران - مازندران - سرگذشتنامه

موضوع:

Ulama - Iran - Mazandaran - Biography

موضوع:

محققان - ایران - قرن ۸ق. - سرگذشتنامه و کتابشناسی

موضوع:

Bio-bibliography Commentators, Shi'ite - 14th Century*

موضوع:

مؤسسه اطلاعات

شناسه افزوده:

۱۳۹۵ ج ۸ BF ۲۷۹/۱۱

رده بندی کنگره:

۲۹۷/۸۹۲۴

رده بندی دیویی:

۴۴۸۳۷۹۶

شماره کتابشناسی ملی:



انتشارات اطلاعات

تهران: خیابان میرداماد، خیابان نفت جنوبی، روزنامه اطلاعات، شماره پستی ۱۵۴۹۹۵۳۱۱۱

تلفن: ۲۹۹۹۳۴۵۵۶

فروشگاه مرکزی: بزرگراه حقانی، رویروی ایستگاه مترو، ساختمان روزنامه اطلاعات، تلفن ۲۹۹۹۳۴۸۶

فروشگاه شماره (۱): خیابان انقلاب اسلامی، رویروی دانشگاه تهران، تلفن: ۶۶۴۶۰۷۳۴

دریای راز و روشنائی (مروری بر زندگی و افکار و آثار سیدحیدر آملی)

تألیف دکتر جمشیدجلالی شیجانی

صفحه آرا: رحیم رضایی

حروف نگار: مریم بیگاری

حروف نگاری، چاپ و صحافی: مؤسسه اطلاعات

طراح جلد: رضا گنجی

شمارگان: ۱۰۵۰ نسخه

چاپ اول: ۱۳۹۵

قیمت: ۶۰۰۰ تومان

ISBN: 978-600-435-028-0

شابک: ۹۷۸-۶۰۰-۴۳۵-۰۲۸-۰

Printed in Iran همه حقوق چاپ و نشر برای ناشر محفوظ است.

فهرست

۱۱	مقدمه
۱۹	فصل اول / زمانه و زندگی سیدحیدر آملی
۱۹	نگاهی به اوضاع تاریخی، سیاسی، اجتماعی و مذهبی
۲۲	زندگی و احوال سیدحیدر آملی از تولد تا مرگ
۲۷	استادان وی در علوم منقول و معقول
۲۹	نسبت خرقه سیدحیدر آملی و استادان وی در طریقت
۳۲	تجربه‌های عزفانی سیدحیدر آملی
۴۱	فصل دوم / آثار و تألیفات سیدحیدر آملی
۴۹	فصل سوم / مؤلفه‌های اصلی اندیشه سیدحیدر آملی
۵۱	تصوف و تشیع
۵۴	دیدگاه سیدحیدر آملی در باب تشیع و تصوف
۵۹	تقیه و کتمان اسرار در نزد سیدحیدر آملی
۶۱	سیدحیدر آملی و نظریه ختم ولایت
۶۸	توحید الوهی و توحید وجودی

علم و معرفت از دیدگاه سیدحیدر آملی.....	۷۱
انواع علوم و تقابل آن با معرفت.....	۷۱
انواع معرفت و تقابل آن با علم.....	۷۶
طرق تحصیل علوم رسمی و علوم حقیقی.....	۷۸
حجاب قلب، مانع قبول معرفت.....	۷۹
ملیث معرفت شناسی (شریعت، طریقت و حقیقت).....	۸۰
اسول دین در مراتب سه گانه شریعت و طریقت و حقیقت.....	۸۶
عدل.....	۸۷
عدل اهل شریعت.....	۸۷
عدل اهل طریقت.....	۸۸
عدل اهل حقیقت.....	۸۹
نبوت.....	۹۰
نبوت اهل شریعت.....	۹۱
نبوت اهل طریقت.....	۹۱
نبوت اهل حقیقت.....	۹۲
امامت.....	۹۲
امامت اهل شریعت.....	۹۳
امامت اهل طریقت.....	۹۳
امامت اهل حقیقت.....	۹۴
معاد.....	۹۵
معاد اهل شریعت.....	۹۵
معاد اهل طریقت.....	۹۵
قیامت صغرای معنوی نسبت به اهل طریقت.....	۹۵
قیامت وسطی معنوی نسبت به اهل طریقت.....	۹۶
قیامت کبرای معنوی نسبت به اهل طریقت.....	۹۷
قیامت صغرای معنوی نسبت به اهل حقیقت.....	۹۷

قیامت وسطی معنوی نسبت به اهل حقیقت.....	۹۸
قیامت کبری معنوی نسبت به اهل حقیقت.....	۹۸
قیامت صغرای صوری آفاقی.....	۹۸
قیامت وسطی صوری آفاقی.....	۹۹
قیامت کبرای صوری آفاقی.....	۹۹
قیامت صغرای معنوی آفاقی.....	۹۹
قیامت وسطی معنوی آفاقی.....	۹۹
قیامت کبرای معنوی آفاقی.....	۱۰۰
وضی.....	۱۰۰
وضوی اهل طریقت.....	۱۰۰
وضوی اهل حقیقت.....	۱۰۰
غسل.....	۱۰۱
غسل اهل طریقت.....	۱۰۱
غسل اهل حقیقت.....	۱۰۱
تیمم.....	۱۰۱
تیمم اهل طریقت.....	۱۰۱
تیمم اهل حقیقت.....	۱۰۲
معراج صوری.....	۱۰۲
معراج معنوی.....	۱۰۲
نماز.....	۱۰۳
نماز اهل طریقت.....	۱۰۳
نماز اهل حقیقت.....	۱۰۳
روزه.....	۱۰۵
روزه اهل طریقت.....	۱۰۵
روزه اهل حقیقت.....	۱۰۶
زکات.....	۱۰۶

- ۱۰۶..... زکات اهل طریقت
- ۱۰۷..... زکات اهل حقیقت
- ۱۰۷..... حج
- ۱۰۷..... حج اهل طریقت
- ۱۰۷..... حج اهل حقیقت
- ۱۰۸..... جهاد
- ۱۰۸..... جهاد اهل شریعت
- ۱۰۸..... جهاد اهل طریقت
- ۱۰۸..... جهاد اهل حقیقت
- ۱۰۸..... تفسیر و تأویل از دیدگاه سید حیدر آملی
- ۱۱۵..... هنر جدول سازی سید حیدر آملی
- ۱۲۳..... منابع و مآخذ

مقدمه

لقد كنت قبل اليوم أنكر ما حبر
إذ لم يكن قلبی الی دینه دان
لقد صار قلبی قابلاً كلِّ صورة
مرعی لغزلان و دیراً لرهبان
و بیتاً لاوثان و کعبه طائف
و ألواح توراه و مصحف قرآن
أدين بدين الحب أنى توجهت
رکبتم ارسلت دینی و ایمانی^۱

بی‌قراری، اضطراب و فشارهای روحی روانی، انسان مدرن را در
برگرفته است و او مفقودی برای خود نمی‌یابد و سراب، آب جای آب
انگاشته و در این امواج متلاطم دست و پا می‌زند تا به خیالی خراب به آب
رسد. چه بخواهیم و چه نخواهیم انسان در حال سیر و سلوک است اما از

۱. آملی، جامع الاسرار، ص ۸ این اشعار در اصل از ابن عربی است. (نک به: ترجمان‌الاشواق، ترجمه و شرح از رینولد نیکلسون، ص ۵۷) «پیش از این هم‌نشین خود را اگر دین او همچون دین من نبود منکر بودم. اکنون قلب من پذیرای هر صورتی است چراگاهی است برای غزالان و دیری برای راهبان. خانه‌ای است برای بتها و کعبه‌ای است برای طواف‌کنندگان و ألواح توراه و مصحف قرآن. من به دین محبت گرویده‌ام و هر جا کاروانش روان شود من نیز بدان سوی خواهم رفت پس محبت دین و ایمان من است.»

منظری معنوی می توان این خلأ را پر نمود و این تشنگی را سیراب کرد. «یا أَيُّهَا الْإِنْسَانُ إِنَّكَ كَادِحٌ إِلَى رَبِّكَ كَدْحًا فَمَلَاqِهِ»^۱ «إِلَى اللَّهِ تُرْجَعُ الْأُمُورُ»^۲ «وَالْأَلَا إِلَى اللَّهِ تَصِيرُ الْأُمُورُ»^۳ آرامش و سکینه، گمشده آدمی در دنیای امروز است. تمامی مکاتب و نحله های فکری وعده سعادت و نجات و رستگاری را به انسان نوید داده اند و انسان نیز به این وعده ها دل بسته است اما هر روز از راه های وعده داده شده، فاصله می گیرد.

کلید استیلاح این است: «الَّذِينَ آمَنُوا وَ تَطْمَئِنُّ قُلُوبُهُمْ بِذِكْرِ اللَّهِ أَلَا بِذِكْرِ اللَّهِ تَطْمَئِنُّ الْقُلُوبُ»^۴ «إِنَّ فِي ذَلِكَ لَذِكْرٍ لِمَنْ كَانَ لَهُ قَلْبٌ أَوْ أَلْقَى السَّمْعَ وَ هُوَ شَهِيدٌ»^۵ بر اساس حدیث قدسی «كنت كنزاً مخفياً و أحببت أن أعرف فخلقت الخلق لكي أعرف»^۶ آفرینش انسان باید به معرفت حق بینجامد. انسان، سالک طریق الی الله است و دنیا محلی است که در آن این اتفاق رخ می دهد. پس اینکه تصور کنیم انسان هستی و انسان روی به مقصدی ندارد ایده های باطل و بیهوده است «أَفَحَسِبْتُمْ أَنَّمَا خَلَقْنَاكُمْ عَبَثًا وَأَنَّكُمْ إِلَيْنَا لَا تُرْجَعُونَ»^۷ «أَيَحْسَبُ الْإِنْسَانُ أَنْ يَتْرَكَ سُجُودَهُ»^۸ عودت قرآن به انسان، رهایی

۱. انشقاق / ۶ «ای آدمی، همانا تو به سوی پروردگارت سخت کم شنیدی، بنده ای، پس او را دیدار خواهی کرد.»

۲. بقره / ۱۰: «همه کارها به خدا بازگردانده می شود.»

۳. شوری / ۵۳: «آگاه باشید که همه کارها به خدا باز می گردد.»

۴. رعد / ۲۸: «آنان که ایمان آوردند و دلهایشان به یاد خدا آرام یابد آگاه باشید که دلها تنها به یاد خدا آرام می گیرد.»

۵. ق / ۳۷: «هر آینه در این سخن که گفته شد یادکردی است برای آن که او را دل باشد - عقل بیدار باشد و غافل نباشد - یا گوش فرا دارد و حاضر باشد.»

۶. مجلسی، بحار الانوار، ج ۸۴، ص ۱۹۸: «من گنج مخفی بودم و دوست داشتم شناخته شوم بنابراین انسان را آفریدم تا شناخته شوم.»

۷. مؤمنون / ۱۱۵: «آیا پنداشته اید که شما را بیهوده آفریدیم و شما به سوی ما بازگردانده نمی شوید؟»

۸. قیامت / ۳۶: «آیا آدمی می پندارد که او را بیهوده و رها فرو گذارند.»

از نادانی و جهل و غفلت و نسیان و کوری است. اگر در این دنیا مراتب هستی را برای رسیدن به کمال طی نکنیم اتفاق مهمی در این دنیا نخواهد افتاد و شقاوت اخروی نصیب آدمی خواهد شد. تعبیر قرآن این گونه است: «وَمَنْ كَانَ فِي هَذِهِ أَعْمَىٰ فَهُوَ فِي الْآخِرَةِ أَعْمَىٰ وَأَضَلُّ سَبِيلًا»^۱ ذکر و یاد خداوند، باعث حیات قلب انسان و جلای آن می‌گردد.^۲ بنابراین انسان خود آگاه و عارف به نفس، خدا را در درون خویش خواهد یافت و با این خودشناسی به خداشناسی نائل خواهد گشت. «من عرف نفسه فقد عرف ربه».^۳ عارفان برخلاف فقها، فلاسفه و متکلمین، انسان را به شناخت قلبی دعوت نموده و حس و عقل را در این مسیر ناقص معرفی کرده‌اند؛ و این همان دعوتی است که هم در قرآن و در کلام پیامبران و ائمه (ع) بدان تذکر و تنبه داده شده است. اینکه در قرآن آمده است که «هرکس از یاد من روی برگرداند بر این سر می‌بشست تنگی قرار می‌دهم و او را در روز قیامت کور محشور می‌کنیم»^۴ و انسان متعجب گشته و سؤال می‌کند «چرا مرا نابینا برانگیختی و حال آنکه بینا بودم»^۵ و خداوند پاسخ می‌دهد که: «آیات ما به تو رسید و تو آنها را به فراموشی سپردی و همچنان امروز فراموش می‌شود»^۶ نشانگر این مهم است که «بطر» کمیت در حیات انسانی و علم‌گرایی و علم‌پرستی باعث شده است که «پوزیتیویستی»^۷

۱. اسراء/ ۷۲: «و هر که در این جهان کور دل است در آن جهان نیز کور و گمراه‌تر شود».
۲. در نهج البلاغه آمده است: «ان الله سبحانه و تعالی جعل الذکر جلاء للقلوب...» (خطبه ۲۲۰).
۳. مجلسی، همان، ج ۲، ص ۳۲.
۴. طه/ ۱۲۴.
۵. طه/ ۱۲۵.
۶. طه/ ۱۲۶.
۷. پوزیتیویسم (Positivism) بر این بنیاد مبتنی است که بشر جز به دانش تجربی راه به دانش دیگری ندارد. نماینده این مکتب در قرن بیستم برتراند راسل، فیلسوف انگلیسی است.

بر جهان‌بینی بشر غلبه یافته و انسان را از بازگشت به خویشتن باز دارد. به تعبیر مولانای بلخی:

زین خرد جاهل همی باید شدن دست در دیوانگی باید زدن
آزمودم عقل دوراندیش را بعد از این دیوانه سازم خویش را^۱
باشقم من برفن دیوانگی سیرم از فرهنگ و از فرزانی^۲
آیات و نشانه‌هایی در این عالم و در وجود ما هست که باعث معرفت انسان می‌شوند. تعبیر زیبای امام علی (ع) آن است که «أتزعّم انک جرم صغیر و فیک اطوی العالم الاکبر»^۳ ای انسان می‌پنداری که ذره ناچیزی هستی در حالی که در تو دنیای بزرگی نهفته است. «و فی الارض آیات للموقنین و فی اسکى افلا تصرون»^۴ و به همین خاطر است که تعبیر قرآن در مورد انسان‌هایی که از این آیات آفاقی و انفسی جهت سلوک و طی مراحل و کمال بهره نکرده‌اند، تفاوت هستند این گونه است: «اولئک الذین لعنهم الله فاصصهم و اعمى ابصارهم»^۵ تعبیر «قفل بر قلوب»^۶ در ادامه این آیه هشدار است پس جدی به انسان امروز که در صدد رفع همه امور و مسائل و مشکلات با ابزارهای مادی است. این سخن به معنای نفی علل و اسباب مادی برای حل امور نیست «أبى الله ان یجیر الاشیاء الا

۱. مولوی، همان، ۲/ ۲۳۲۸ و ۲۳۳۲.

۲. همان، ۵۷۳/۶.

۳. آملی، سیدحیدر، تفسیر المحيط الاعظم، ج ۵، ص ۱۶۶. این شعر منسوب به امام علی (ع) است.

۴. ذاریات / ۲۰ - ۲۱: «در زمین و نیز در خودتان نشانه‌هایی برای اهل یقین است آیا نمی‌نگرید.»

۵. محمد / ۲۲: «اینانند که خدا لعنتشان کرده پس آنان را کر ساخته و دیدگان‌شان را کور کرده است.»

۶. محمد / ۲۴: «علی قلوب أقفالها.»

بأسباب.^۱ اما هنگامی که در قرآن استعانت از صبر و صلاة و توصیف آن در مورد خاشعین و صابرين و متقين صحبت به میان می آید حکایت از آن دارد که امور روحانی و معنوی انسان، اسباب و علل خاص خود را دارد که با مقوله های حسی و عقلی نمی توان بدان پاسخی داد. لذا در تعبیر دینی و عرفانی دعا و ذکر به عنوان ابزار بندگی مضطربین نسبت به خداوند به کار می رود. در آیات قرآنی خداوند از رگ گردن نیز به انسان نزدیک تر است^۲ و خود خداوند انسان را دعوت به ذکر و استجابت دعا نموده است.^۳ به همین مناسبت که مولانا گفته است:

هم دعا را تو بخت هم ز تو ایمنی از تو مهابت هم ز تو^۴
 پس هر قدر از این بیشتر یاد حق را در قلب خود احیا کند نورانیت بیشتری یافته و تقرب به حق پیدا کرده و اسماء و صفات الهی در وی متجلی می گردد. «الله ولى الذين اذنا يخرجهم من الظلمات الى النور»^۵ و مسلم است که تمام این سیر حسی و عاطفه خود خداوند در انسان به وجود می آید و گر نه انسان، جرأت و جسارت آن را پیدا نخواهد کرد که این گونه خداوند با کبریا و عظمت را دعا کند.

ما نبودیم و تقاضا مان نبود لطف الله ما می شنود^۶
 در فرازهایی از دعای بسیار مهم و پرمغز ابو ذر غفاری همال نیز به این مطلب اشاره شده است: «بک عرفتك و أنت دللتنی علیک و دعوتنی إلیک

۱. کلینی، کافی، ج ۱، ص ۵۴.

۲. ق/ ۱۶.

۳. بقره / ۱۸۶، غافر / ۶۰.

۴. مولوی، مثنوی، ۶۹۲/۲.

۵. بقره / ۲۵۷.

۶. مولوی، همان، ۶۱۰/۱.

و لولا انت لم أدر ما انت^۱ تو خودت را به من شناساندی و مرا به شناخت خود دلالت کردی و به سوی خود دعوت نمودی و اگر تو نبودی من نمی دانستم که تو کیستی.

این قسمت از دعا متضمن یک مطلب فوق العاده مهم و عرفانی است که از قرآن برگرفته شده است: «شهد الله أنه لا اله الا هو والملائكة و الرسل قائماً بالقسط لا اله الا هو العزيز الحكيم»^۲

نقطه مقابل ذکر حق، نسیان است، خدا فراموشی نتیجه خود فراموشی است، همان گونه که خودشناسی به خداشناسی می انجامد. «ولا تكونوا كالذين نسوا ان رآهم أنفسهم»^۳ نسیان به معنای زایل شدن صورت معلوم از صفحه سطر است، البته بعد از آنکه در صفحه خاطر نقش بسته بود. انسانی که خدا را فراموش کند اسمای حسنی و صفات علیای او را که صفات ذاتی انسان ارتباط مستقیم با آن دارد نیز فراموش می کند یعنی فقر و حاجت ذاتی خود را از یاد می برد و نفس خود را مستقل در هستی می پندارد و همه کمالات را به خود نسبت می دهد.^۴ در آیه دیگر آمده است: «و گفته می شد: امروز ما شما را فراموش می کنیم همان طور که شما در دنیا دیدار امروزتان را فراموش کرده بودید در نتیجه نگاهتان آتش است و از یاوران هیچ قسم یاوری نخواهید داشت»^۵ از این آیه بر این گونه

۱. قمی، شیخ عباس، کلیات مفاتیح الجنان، ص ۳۱۳.

۲. آل عمران / ۱۸: «خدا به یکتایی خود گواهی دهد که جز ذات اقدس او خدایی نیست و فرشتگان و دانشمندان نیز به یکتایی او گواهند. نیست خدایی جز او که نگهبان عدل و درستی است و بر کار عالم توانا و به همه چیز داناست.»

۳. حشر / ۱۹: «و چون کسانی مباشید که خدا را فراموش کردند و او نیز آنان را دچار خود فراموشی کرد آنان همان نافرمانانند.»

۴. طباطبائی، المیزان، ج ۱۹، ص ۲۱۹.

۵. جائیه / ۳۴.

استنباط می‌شود که کسانی اهل ذکر هستند که به دیدار پروردگارشان در روز قیامت رجاء واثق دارند «لقد كان لكم في رسول الله اسوه حسنه لمن كان يرجو الله واليوم الآخر وذكر الله كثيراً»^۱

این مقدمه بهانه‌ای است تا دریابیم که عرفان و معنویت اسلامی در قرآن و روایات معصومین (ع) آن قدر فراوان است که ما را از مراجعه به متون دیگری نیاز می‌کند. در این میان سهم عرفای ایرانی و به ویژه عرفای شیعی در معرفی و شناساندن این گنجینه معنوی سهمی بسزا و عمده و قابل تحسین است. تلاش بیهوده برخی از شرق‌شناسان در جهت ارائه منشأ غیر اسلامی برای تشیع و عرفان و جنبه باطنی دین راه به جایی نمی‌برد زیرا این دو نوعت به عنوان جنبه‌های اساسی وحی اسلامی آن قدر بدیهی و اسوار است که هیچ‌گونه ادله کاذب تاریخی نمی‌تواند آنها را نادیده بگیرد. ضرب و جد میوه بر روی درخت ثابت می‌کند که ریشه‌های آن در زمینی است که آن را تغذیه می‌کند و ثمره معنوی فقط می‌تواند حاصل شجری روحانی باشد که در حقیقت وحی ریشه دارد. «الم تَرَ كيف ضرب الله مثلاً كلمة طيبة، كشجرة طيبة أصلها ثابت وفرعها في السماء»^۲ تشیع اصل و منشأ نهضتی است که بعداً به تصوف معروف شد ولی در اینجا منظور از تشیع، تعالیم باطنی حضرت ختم‌مرتبت و ائمه اطهار (ع) است، یعنی همان اسراری که بسیاری از مراجع و علمای شیعه با «تقیه» یکسان دانسته‌اند.^۳ سیدحیدر آملی، فقیه، متکلم، فیلسوف و عارف

۱. احزاب / ۲۱: «قطعاً برای شما در اقتدا به رسول خدا (ص) سرمشق نیکوست برای آن کس که به خدا و روز بازپسین امید دارد و خدا را فراوان یاد می‌کند.»

۲. ابراهیم / ۲۴: «آیا ندیدی خدا چگونه مثل زده، سخنی پاک که مانند درختی پاک است که ریشه‌اش استوار و شاخه‌اش در آسمان است؟»

۳. نصر، سیدحسین، «تشیع و تصوف» مندرج در حکمت و هنر معنوی (مجموعه مقالات)، ص ۲۳.

شیعی امامی سده هجری کوشیده است تا در آثار خویش در دفاع از شیعه حقیقی و تبیین و تحلیل این مسئله، روشنگری و احیاگری کند. آثار و افکار سیدحیدر آملی ما را مستقیماً در بطن مسئله مهمی قرار می دهد که اسلام معنوی و عرفان شیعی نام دارد و سرچشمه آن را می توان در تعالیم ائمه (ع) به عنوان معتبرترین منابع تفسیر باطنی آیات قرآن سراغ گرفت و سیدحیدر آملی در این میان بی بدیل و قابل تأمل و کندوکاو است. این وجیزه بر آن است تا قطره ای از آن دریای ژرف و عمیق را در میراث معنوی علما و فاضلان شیعه، بازخوانی و واکاوی کند.

آخر دعوانا ان الحمد لله رب العالمین

جمشید جلالی شیجانی

پاییز ۱۳۹۵